

مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با هنر رشتی‌دوزی از روزن روایت‌های زنان

پیمانہ صالحی^۱

قلاب‌دوزی یکی از زیباترین رودوزی‌های سنتی ایران است که شهرت جهانی دارد. به دلیل آنکه بخیه‌های زنجیره‌واری با نخ ابریشم برای ایجاد نقش روی پارچهٔ زمینه (ماهوت)، با وسیله‌ای به نام قلاب ایجاد می‌شود، به آن قلاب‌دوزی می‌گویند. این رودوزی در برخی از شهرها مثل مهاباد معمول است، اما از آنجایی که مشهورترین آثار این هنر در رشت تولید می‌شود، رشتی‌دوزی نامیده می‌شود.

قدمت قلاب‌دوزی به سال ۵۵۰ پیش از میلاد می‌رسد. در حفاری‌های باستان‌شناسی در منطقهٔ لولان در منتها الیه شرق ایران، قطعاتی از ملیله‌دوزی و قلاب‌دوزی پیدا شده است. دورهٔ قاجار را می‌توان عصر اوج رودوزی‌های ایرانی دانست. آثار به‌جای مانده از این دوره، نشانگر توجه روزافزون مردم به هنرهای تزئینی است. ادوارد پولاک^۲ در سفری به گیلان در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، از قلاب‌دوزی در رشت یاد کرده و آن را تمیز و هنرمندانه توصیف کرده است. در این روزگار آثار رشتی‌دوزی همپای قالی به خارج از کشور صادر می‌شد، به طوری که برخی از این آثار در موزه‌های اروپا نگهداری می‌شود (سیدصدر، ۱۳۸۶: ۸۵).

مهم‌ترین ویژگی رشتی‌دوزی که آن را به هنری اصیل بدل کرده، بهره‌گیری از نقوش نمادینی است که ریشه در فرهنگ ایرانی دارد. نقوش گیاهی نظیر درخت سرو، با آیین زرتشت و تمدن ایرانی همبستگی دارد و سبز بودن آن، از جاودانگی حکایت می‌کند. همچنین نشانی از بهشت و آسمان دارد. نقوش حیوانی مثل نقش طاووس، در دوران باستان عامل حاصلخیزی زمین بود و بر این باور بودند که طاووس به دلیل آب حیات عمر جاودانه یافته است. نقوش اساطیری همانند اژدها، نماد اهریمن و در پی تسلط بر درخت زندگی بود. در شماری از آثار رشتی‌دوزی، اژدها در حال بلعیدن پرنده‌ای تصویر شده یعنی قربانی کردن پرنده برای حفاظت از درخت زندگی.

علاوه بر این، نقوش مذهبی مثل شیروخورشید که از دورهٔ سلجوقیان به بعد در رودوزی‌های سنتی مرسوم شد، در بسیاری از آثار هنری این دوره به چشم می‌خورد. نقوش تزئینی نظیر بته جقه به‌عنوان عنصری زیبایی‌بخش از اهمیت خاصی برخوردار بود. بته جقه به‌عنوان نماد محافظ در مقابل چشم بد، بر روی تاج پادشاهان نقش می‌بست. نقوش مذکور به دلایل باورهای باستانی، اسلامی و عرفانی مردم گیلان در این هنر به کار رفته‌اند. بی‌تردید کاربرد این نقوش یکی از دلایل ماندگاری آن به‌عنوان هنر اصیل فراتر از هنر تزئینی صرف است (هنر رشتی‌دوزی، ۱۳۹۹: ۴۶).

^۱. نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی؛ peymanes.slh@gmail.com

^۲. Jacob Eduard polka

با توجه به اهمیت هنر رشتی‌دوزی در جایگاه میراث فرهنگی (معنوی) ثبت‌شده در یونسکو، لازم است مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن که زمینه شکوفایی‌اش را فراهم آورده، شناسایی و احیا شوند. معنا یا بُعد ناپیدا و فرامادی یک میراث بسیار اهمیت دارد. این بُعد نامحسوس با جنبه‌های مختلف فرهنگ جوامع در ارتباط است و با آنها دادوستد دارد. در حفاظت از میراث فرهنگی، توجه صرف به صورت و وجه مادی اثر کفایت نمی‌کند و اخذ این رویکرد در حفاظت از آثار تاریخی نمی‌تواند ضامن تداوم و بقای بسیاری از وجوه معنایی مستتر در آن باشد (فکوهی، ۱۳۹۱: ۹).

در روش شفاهی انتقال معنا، حضور انسان نقشی تعیین‌کننده و مهم دارد. انتقال سینه به سینه معانی، انسان را به یکی از بااهمیت‌ترین محمل‌های انتقال معنا تبدیل می‌کند. توجه به انسان در حفاظت از اسرار یک فن یا حرفه یا هنر امری مهم است. در منشورهای حفاظت جدید اهمیت این موضوع در حدی است که گاه میراث یک سرزمین به‌عنوان «حافظه جمعی» آن قوم شناخته می‌شود. به‌خاطر سپردن یکی دیگر از روش‌های تثبیت ارزش‌ها و ابعاد ناملموس میراث در حافظه فردی و جمعی اقوام مختلف است. در واقع انتقال شفاهی میراث معنوی از طریق حافظه صورت می‌پذیرد (یادگاری، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

در حال حاضر کاربست این روش در حفاظت از رشتی‌دوزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه خطر فراموشی عوامل فرهنگی همبسته با آن محتمل است. در این میان، زنان گیلانی که از دهه‌های گذشته در حفظ و نقل روش‌های رشتی‌دوزی کوشیده‌اند، نقش مؤثری در انتقال بُعد فرامادی این هنر دارند. آنان به مثابه محملی برای انتقال معنا، گذشته را به آینده پیوند می‌زنند. انتقال رموز این هنر به نسل‌های بعد و ذکر دلایل اهمیت آن در ادوار مختلف، موجبات احیای آن را فراهم می‌آورد. مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با بانوان هنرمند گیلانی که رشتی‌دوزی را از مادرانشان آموخته‌اند، وجوه معنوی آن را آشکار می‌سازد. از جمله این موارد، کشف پاسخ بر پرسش‌های زیر بااهمیت است:

- رشتی‌دوزی از چه جایگاهی در میان خانواده‌ها برخوردار بود؟
- چه عاملی موجب انتقال نسل به نسل آن از مادر به دختر شده است؟
- در چه دورانی بیشتر در دایره توجه بوده است؟
- رشتی‌دوزی در گذر زمان چه تغییراتی کرده است؟
- آیا این هنر در طول زمان با سایر هنرها ترکیب شده است؟
- رشتی‌دوزی از چه زمینه‌های صادرات و ارزآوری برخوردار بود؟

بنابراین می‌توان این‌طور استنباط کرد که حفاظت از حرفه‌های سنتی شبیه رشتی‌دوزی، ضمن اینکه تجلیات مختلف این میراث را شکل می‌دهد، محملی برای انتقال معنا نیز محسوب می‌شود. در بیان شفاهی، به واسطه حضور گوینده و شنونده، معنای میراث امکان بروز متفاوت و بدیعی می‌یابد که پویا و غیرقابل تکرار است. معانی منتقل‌شده برای آنکه در گذر زمان حفظ شوند، باید از انعطاف لازم برای سازگاری با شرایط زمان و مکان برخوردار باشند. در مورد به‌کارگیری روش تاریخ شفاهی در حفظ مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با رشتی‌دوزی، موارد زیر قابل ذکر است:

- تکیه بر فرهنگ بومی گیلان برای حفظ میراث معنوی این دیار، به‌ویژه ابعاد شفاهی آن.
- شناسایی همبسته‌های فرهنگی مرتبط با این هنر از دل روایت‌های زنان
- تقویت ارتباط بین‌نسلی با تأکید بر احیای روش‌های سنتی
- تأکید بر ضرورت آموزش به جوانان و علاقه‌مند کردن آنان به هنرهای سنتی
- استمرار نظام استاد-شاگردی در آموزش رشتی‌دوزی توسط هنرمندان خبره .

منابع

- سیدصدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). *دایره‌المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن*. تهران: سیمای دانش.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۱). از انسان‌شناسی تا انسان‌شناسی. *اطلاعات حکمت و معرفت*، دوره ۷، شماره ۱: ۴-۹.
- *هنر رشتی‌دوزی- ویژگی‌ها* (۱۳۹۹). تهران: سازمان ملی استاندارد ایران.
- یادگاری، زهره (۱۳۹۹). قابلیت‌های روش شفاهی در انتقال و حفاظت معنا در میراث فرهنگی. *باغ نظر*، دوره ۱۷، شماره ۴: ۱۰۳-۱۱۲.